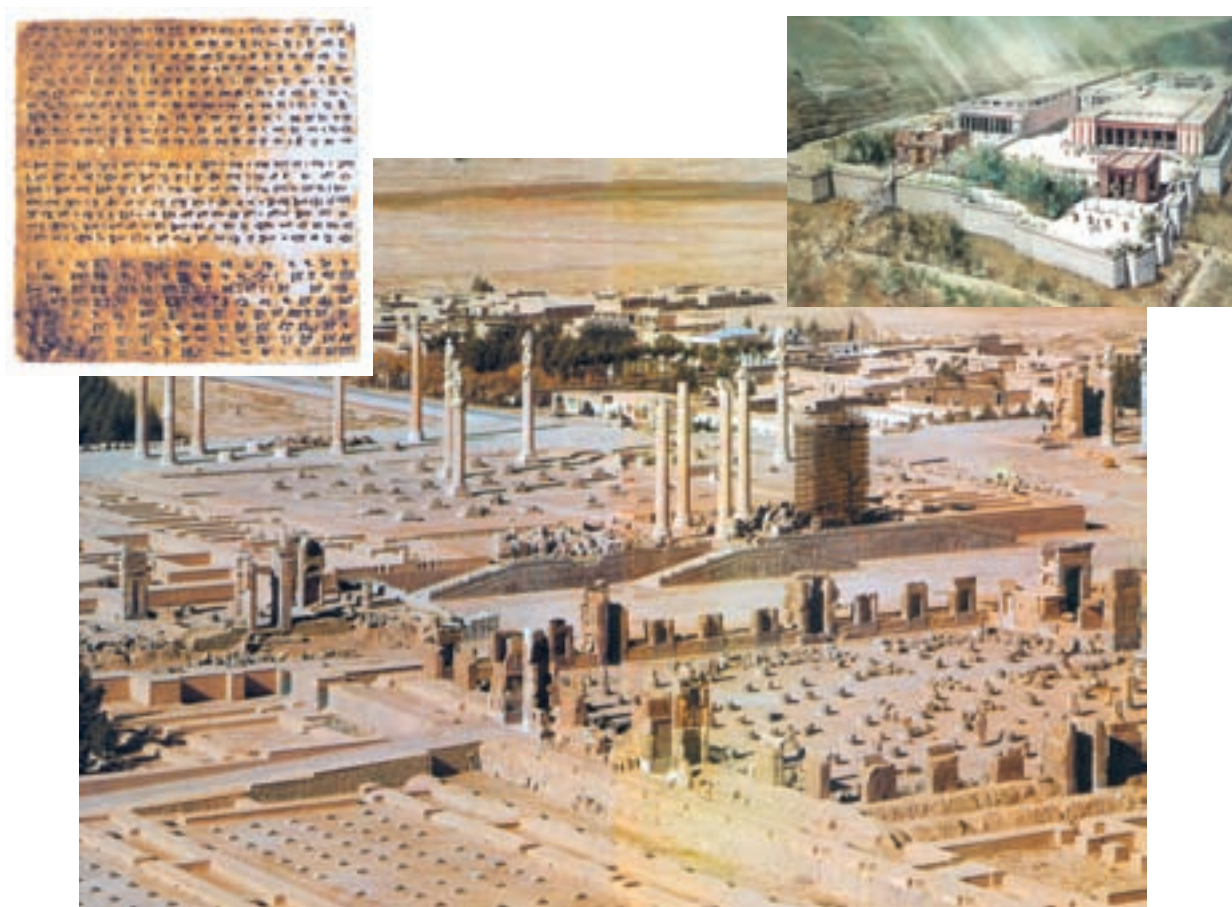


هخامنشیان

مقدمه

در درس قبل با چگونگی انقراض حکومت ماد آشنا شدید. حال با چگونگی تشکیل بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان - یعنی امپراتوری هخامنشی - و تحولات سیاسی و فرهنگی این عصر آشنا می‌شوید. امپراتوری‌ای که شیوه‌ی کشورداری آن، در قرن‌های بعد مورد تقلید بسیاری از فرمانروایان شرق و غرب قرار گرفت امروزه نیز مورخان بزرگ دنیا با علاقه‌مندی بسیار به مطالعه‌ی جلوه‌های گوناگون آن می‌پردازند.



چشم‌اندازی از تخت جمشید. مجموعه بناهای تخت جمشید هنوز به‌عنوان یکی از شاهکارهای معماری و هنری ایران و جهان شناخته می‌شود. در تصویر بالا (سمت راست)، نقاشی خیالی‌ای که بر مبنای آثار به‌جا مانده در تخت جمشید کشیده شده است، دیده می‌شود. در سمت چپ نیز یک لوحه‌ی طلائی که در تخت جمشید یافت شده، می‌بینید.

و سلسله‌ی هخامنشی را تأسیس کند. کورش در میان پادشاهان دنیای قدیم و جدید، ویژگی‌های خاصی داشت که بدان مشهور است و می‌توان همه‌ی آن‌ها را در خردمندی

یک فرمان‌روای خوش‌نام

خواندید که کورش، نوه‌ی آخرین پادشاه ماد بود و با همراهی فرماندهان مادی توانست قدرت را به‌دست گیرد

برای سقوط آن فراهم بود؛ مثلاً: نبونید شایستگی حکومت بر مردم بابل را نداشت و آنان را از خود رنجانده بود، به‌ویژه، بی‌احترامی او نسبت به مردوک خدای مورد احترام بابلیان، کاهنان بابلی را آزرده بود؛ از طرفی، با این که بابل شهری بزرگ و آباد بود ولی اختلاف طبقاتی در آن بسیار بود؛ درحالی که گروهی اندک از درباریان و تاجران در ناز و نعمت و فساد و تجمل‌پرستی غرق بودند، بیش‌تر مردم زندگی فقیرانه‌ای داشتند (این عوامل را هنگام مطالعه‌ی سقوط حکومت هخامنشی به‌خاطر داشته باشید). نبونید نیز در ماجرای همراهی با پادشاه لودیبه بهانه‌ی حمله به بابل را به کورش داده بود. کورش در حمله به بابل نیز کامیاب بود. در عین حال، رفتار او هنگام غلبه بر دشمن با فرمانروایان آن دوره فرق داشت. در آن زمان با سقوط یک شهر به دست دشمن، مردم قتل عام می‌شدند و به‌ویژه، خدایان مورد احترام آنان مورد اهانت قرار می‌گرفتند. کورش ضمن خودداری از این‌گونه کارها، به اقوامی که طی حمله‌ی فرمانروایان قبلی بابل، اسیر و به بردگی گرفته شده بودند اجازه داد به وطن خود بازگردند.

خلاصه کرد. او به خوبی می‌دانست با اقوام و ملت‌های مختلف چگونه رفتار کند؛ به همین دلیل، شیوه‌ی فرمانروایی او با شیوه‌ی حکمرانی پادشاهانی که تا آن زمان بر مردم دنیا حکومت کرده بودند تفاوت داشت.

با انتشار خبر سقوط حکومت ماد، فرمانروایان لودیبه (در ترکیه‌ی امروزی) و بابل (در عراق امروزی) به طمع افتادند که قسمت‌هایی از قلمرو مادها را تصرف کنند. پادشاه لودیبه که ادعای خویشاوندی با مادها داشت — با فرمانروایان بابل و مصر و نیز سایر حکمرانان آسیای صغیر متحد شد و درصدد ضربه‌زدن به کورش برآمد. کورش نیز پس از آگاهی از این اتحاد با سرعت به سوی سارد، پایتخت لودیبه، حرکت کرد و حکومت لودیبه و حکومت شهرهای آسیای صغیر را شکست داد. با تسلط بر این شهرها — که از راه تجارت، بسیار ثروتمند شده بودند — حکومت هخامنشیان تقویت شد.

هدف بعدی کورش، بابل، پایتخت حکومت کلدیه، بود. در این زمان، نبونید^۱ بر بابل فرمان می‌راند. بابل شهری آباد، وسیع و در واقع، بزرگ‌ترین شهر آسیا بود که مردمانی از اقوام گوناگون در آن می‌زیستند. با این حال، همه‌چیز



مقبره‌ی کورش در پاسارگاد

فکر کنید و پاسخ دهید:

با استفاده از آنچه در دوره‌ی راهنمایی

خوانده‌اید، بگویید فرجام کورش چگونه بود؟ آیا قول

دیگری در این باره شنیده‌اید؟

کمبوجیه، فاتح مصر

پس از کورش پسرش، کمبوجیه، جانشین او شد. اقدام مهم کمبوجیه حمله به مصر بود. بهانه‌ی کمبوجیه این بود که فرعون مصر او را به دامادی نپذیرفته بود اما انگیزه‌ی واقعی وی از این حمله عبارت بود از همدستی فرعون مصر با پادشاه لودیه در ماجرای توطئه‌ی حمله به ایران (در زمان کورش) و نیز ثروت بیکران مصر. مصر کشوری بزرگ و دارای تمدنی با شکوه با دانشمندان و صنعتگران مشهور بود اما این کشور نیز هم‌چون بابل دچار نابسامانی داخلی بود. در این سفر جنگی، فرعون مصر تصور می‌کرد ایرانیان از راه دریا به این سرزمین

هجوم ببرند اما حمله‌ی ایرانیان از خشکی آنان را غافلگیر ساخت و در نهایت، کمبوجیه توانست مصر را فتح کند. فتح مصر برای ایرانیان اهمیت زیادی داشت. آنان در پی فتوح زمان کورش، اکنون توانسته بودند بر یکی دیگر از دولت‌های مشهور جهان پیروز شده و بر سرزمین‌های وسیعی مسلط شوند.

در آغاز، برخورد کمبوجیه با مصریان شبیه برخورد کورش بود. او به آداب و رسوم مصریان احترام گذاشت و دین آنان را گرامی داشت. به همین دلیل، با مقاومت سرسختانه‌ی مصری‌ها روبه‌رو نشد. کمبوجیه در صدد تصرف قسمت‌های دیگر آفریقا بود اما خبرهایی که از ایران رسید او را ناگزیر به بازگشت کرد. او ابتدا فرمان‌روایی ایرانی برای مصر تعیین کرد، سپس راه بازگشت در پیش گرفت اما پیش از رسیدن به ایران مرد. مشهور است که از شنیدن خبرهای مربوط به بردیا — که در ادامه خواهید خواند — دچار خشم شدیدی شد و خودکشی کرد.



قلمرو حکومت هخامنشی در دوره‌ی داریوش اول

افسری که بزرگ‌ترین امپراتوری جهان را سازمان داد

هنگامی که سپاهیان کمبوجیه به ایران رسیدند، اوضاع ایران آشفته بود. در غیاب کمبوجیه، فردی به نام بردیا، خود را برادر کمبوجیه و جانشین حقیقی کوروش اعلام کرده بود. او با بخشش مالیات‌ها توانسته بود حمایت برخی از حکمرانان را به خود جلب کند. از طرفی، برخی از ایالت‌های دور و نزدیک سر به شورش برداشته بودند. در چنین شرایطی، یکی از جوانان خاندان هخامنشی به نام داریوش، توانست بزرگان خانواده‌های هخامنشی را با خود همراه سازد. آنان برای تصرف قدرت با هم متحد شدند. داریوش نخست با حمله به محل سکونت بردیا، او را به قتل رساند. سپس شورش‌ها را سرکوب کرد. او طی دو سال به عملیات نظامی وسیعی دست زد که طی آن ۱۹ جنگ صورت گرفت و ۹ پادشاه محلی به قتل رسید. در برخی از این سفرهای جنگی، داریوش خود شرکت داشت و در برخی دیگر، فرماندهان مورد اعتمادش را می‌فرستاد. او خود به مصر رفت و شورش آن‌جا را فرو نشاند. هم‌چنین

شمال هند را به امپراتوری خود ضمیمه کرد. داریوش شرح بیش‌تر این لشکرکشی‌ها را در کتیبه‌ی بیستون به یادگار گذاشته است. این کتیبه با خط میخی نوشته شده و از قدیمی‌ترین متن‌های تاریخی جهان است که در نگارش تاریخ هخامنشیان کمک بسیاری به مورخان کرده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

هدف داریوش از ایجاد کتیبه‌ی بیستون

چه بود؟

داریوش در سال‌های پایانی عمر خود به یونان لشکرکشی کرد. در این زمان، بخش بزرگی از آسیای صغیر جزو قلمرو ایران بود. با این حال، تعدادی از فرمانروایان آن نواحی سر به شورش برداشته بودند. در این شورش، شهرهای یونانی – که مشهورترین آن‌ها آتن^۱ و اسپارت^۲ بودند – دست داشتند. در این سفر جنگی، داریوش به تنبیه شورشیان پرداخت. هنگامی که سپاهیان او به نزدیکی آتن رسیدند، مردم آتن به پایداری پرداختند. در این جنگ که به جنگ ماراتن^۳ معروف است، آتنی‌ها



کتیبه‌ی بیستون یکی از مهم‌ترین آثار به‌جامانده از دوره‌ی هخامنشیان است که در آن مطالبی از زبان داریوش اول (بزرگ) درباره‌ی چگونگی به سلطنت رسیدن وی و قسمت‌های مختلف قلمرو هخامنشی در زمان او نوشته شده است.

۱- Athen

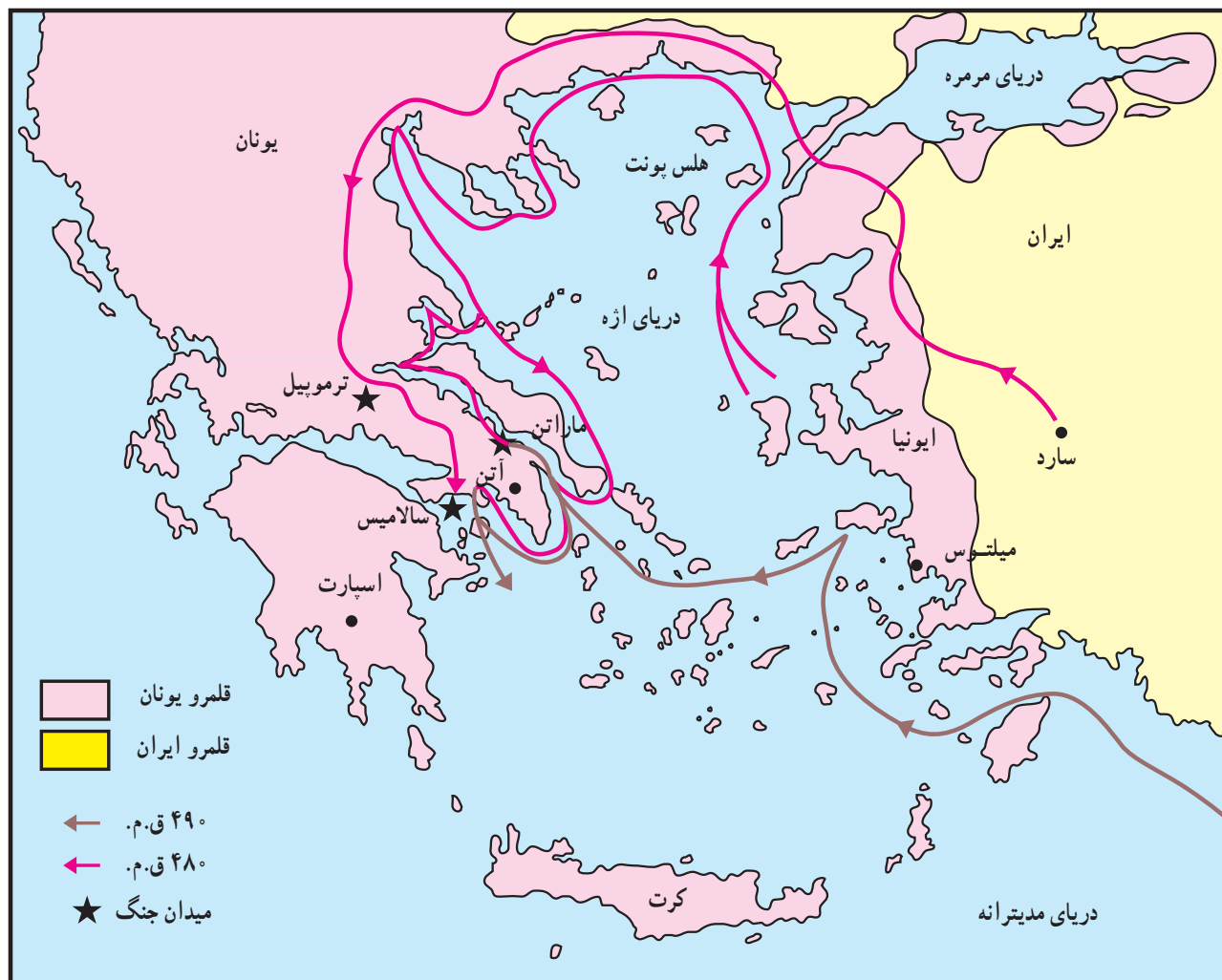
۲- Sparta

۳- Marathon

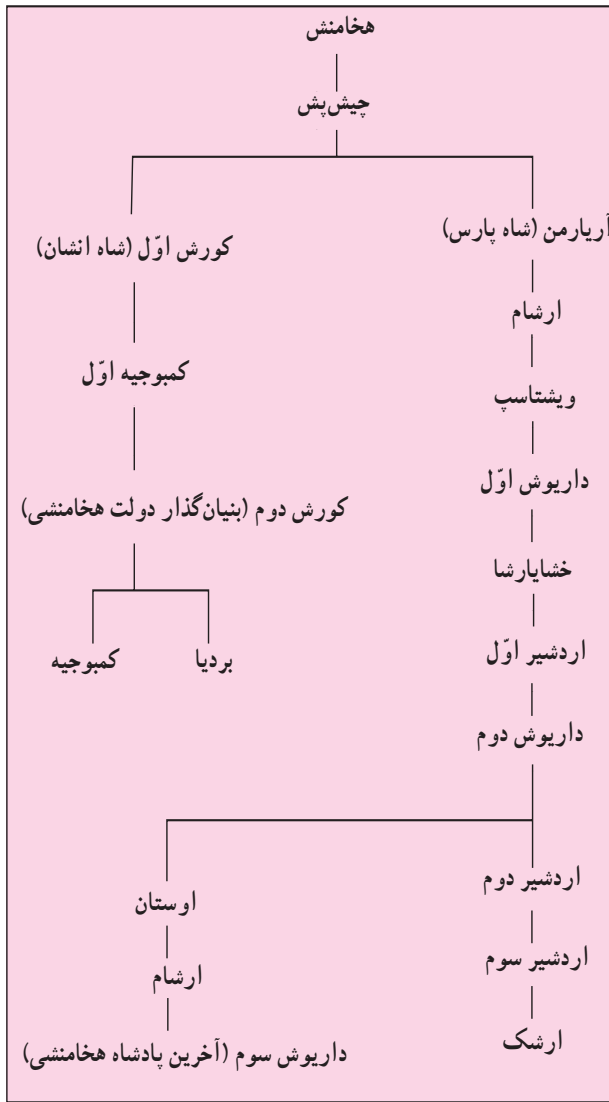


توانستند از سقوط شهرشان جلوگیری کنند. داریوش به سپاهیان دستور داد که باز گردند. او قصد داشت سال بعد دوباره به یونان لشکرکشی کند اما بعد از مدتی، مرد. آتنی‌ها از این‌که توانسته بودند شهر خود را از فتح شدن برهاند بسیار خوشحال شدند و شادمانی کردند. مورخان یونانی نیز این حادثه را به عنوان شکست داریوش قلمداد کردند و در کتاب‌های خود در توصیف آن اغراق بسیار کردند.

جام طلایی، یکی از زیباترین آثار به جا مانده از دوره‌ی هخامنشی است.



جنگ‌های ایران و یونان



هخامنشیان

سوم، اختلافات داخلی، تن‌پروری و سستی بر هخامنشیان غلبه داشت و دیگر از شور و شجاعت سال‌های پیش چیزی نمانده بود. در چنین شرایطی، اسکندر مقدونی در چند جنگ هخامنشیان را شکست داد و در شهرهای ایران کشتار زیادی به راه انداخت. جانشینان اسکندر در ایران سلوکیان بودند که مدتی بر کشور ما فرمان راندند و سرانجام، توسط اشکانیان به تدریج بیرون رانده شدند.

از مرگ داریوش تا انقراض سلسله‌ی هخامنشی

هم‌زمان با روی کار آمدن خشایارشا، پسر و جانشین داریوش^۱، شورش‌هایی در مصر و بابل رخ داد که هخامنشیان آن‌ها را سرکوب کردند. سپس خشایارشا تصمیم گرفت نقشه‌ی پدر را برای حمله‌ی دوباره به یونان عملی سازد. او برای این کار سپاه بزرگی به راه انداخت. خشایارشا در نبردهای زمینی پیروز بود اما در نبرد دریایی به نام سالامیس توفیق چندانی نداشت. از آن پس، خشایارشا بیش‌تر اوقات خود را به خوشگذرانی مشغول شد و عاقبت به‌دست یکی از درباریان به قتل رسید. دربار هخامنشی نیز بیش از پیش کانون توطئه‌ها و رقابت‌های درباریان شد. در زمان داریوش دوم، همسرش پروشات (پریزاد) قدرت و نفوذ زیادی در شاه داشت، به همین دلیل، در تصمیم‌گیری‌ها نقش به‌سزایی ایفا می‌کرد. از وقایع مهمی که او در آن دست داشت، لشکرکشی کورش کوچک برای به‌چنگ آوردن قدرت بود؛ داریوش دوم پیش از مرگ، پسرش اردشیر (دوم) را به جانشینی انتخاب کرد اما پسر دیگرش به‌نام کورش کوچک، که در آسیای صغیر حکومت داشت، به این انتخاب راضی نبود. بعد از مرگ داریوش دوم، کورش کوچک ضمن هم‌فکری و هماهنگی با مادرش، با سپاهی که بیش‌تر آنان یونانی بودند به سوی پایتخت به راه افتاد اما در جنگی که رخ داد شکست خورد و کشته شد.

در زمان اردشیر دوم، یونان که دچار ضعف و انحطاط شده بود، توسط فیلیپ مقدونی، حاکم مقدونیه، فتح شد. در زمان جانشین او – یعنی اردشیر سوم – بسیاری از افراد خاندان هخامنشی کشته شدند که موجب ضعیف شدن حکومت هخامنشی شد. در زمان داریوش

آریوبرزن

در جریان حمله‌ی اسکندر به ایران، هنگامی که او و سپاهیان‌ش به کوهستان‌های غرب فارس رسیدند با حمله‌ی آریوبرزن و یارانش روبه‌رو شدند. آریوبرزن از بالای کوه‌ها راه را بر سپاه اسکندر بسته و با پرتاب تخته سنگ‌های عظیم، آنان را در وضعیت سختی گرفتار کرده بود اما اسکندر به راهنمایی فردی یونانی که در جنگ‌های قبل به اسارت ایرانیان درآمده بود، توانست راه صعود از کوه را بیابد. پس اسکندر سپاهی را برای جنگ با ایرانیان روانه کرد. آریوبرزن و یارانش شجاعانه در برابر آنان جنگیدند اما چون تعدادشان از دشمن بسیار کم‌تر بود، کاری از پیش نبردند و در این راه جان باختند.

فرهنگ و تمدن ایران در عصر هخامنشیان

به فاصله‌ی هر ۲۴ کیلومتر چاپارخانه‌ای ساختند. در این چاپارخانه‌ها همیشه اسب‌های تازه نفس آماده بود. پیک‌های دولتی با رسیدن به این چاپارخانه‌ها، اسب خود را عوض می‌کردند و با اسبی تازه نفس، با سرعت به راه خود ادامه می‌دادند.

اداره‌ی کشور: داریوش قلمرو هخامنشی را به ایالت‌های مشخصی تقسیم و برای هر یک از آن‌ها یک شهربان تعیین کرد. یک دبیر (رئیس امور اداری) نیز به امور اداری ایالت رسیدگی می‌کرد. یک فرمانده‌ی سپاه نیز در هر ایالت وجود داشت که در کار خود مستقل بود. هر یک از این سه، دارای مأموران و کارمندان بسیاری بودند. به‌علاوه جاسوس‌های شاه، که به چشم و گوش او مشهور بودند، در همه جا حضور داشتند و اخبار مختلف را به اطلاع او می‌رساندند.

خط: برای مکاتبات اداری ابتدا از خط آرامی^۱ و بابلی استفاده می‌کردند اما بعد از مدتی، خط میخی پارسی نیز ابداع و به آن‌ها افزوده شد.

اقتصاد: اقدام دیگر داریوش، ضرب سکه‌ی طلا و نقره بود. پیش از او، پادشاهان ساردا از طلا سکه ضرب کرده

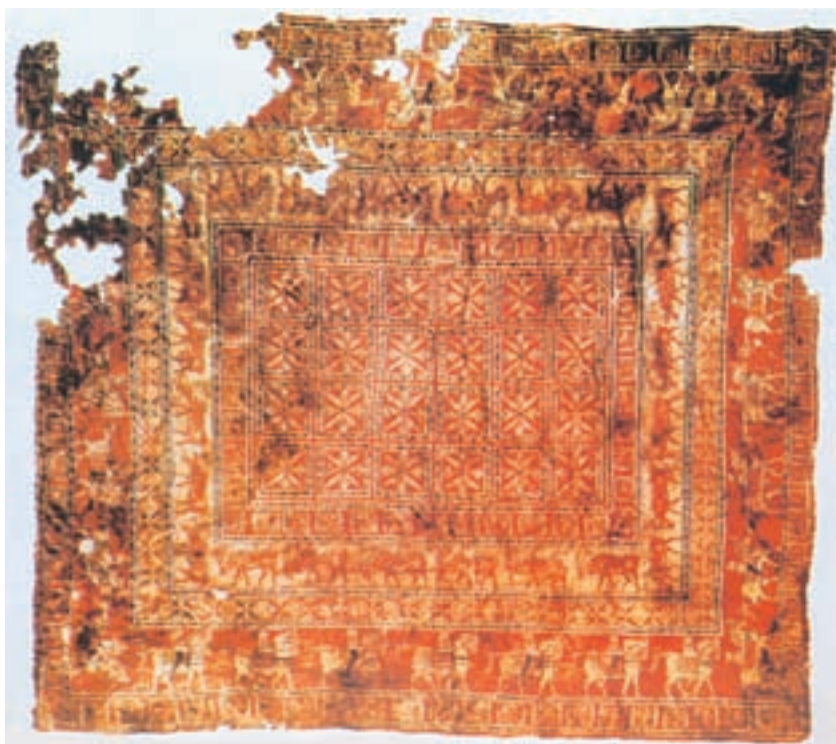
پس از سرکوبی شورش‌های دور و نزدیک و نیز پیوستن سرزمین‌های جدید بر قلمرو هخامنشیان، داریوش دریافت که برای اداره‌ی این کشور وسیع، لازم است امپراتوری او به شیوه‌ای نو سازمان‌دهی و قانون‌ها و مقررات تازه‌ای وضع شود. پیش‌گیری از وقوع دوباره‌ی شورش‌ها از طریق نظارت مستمر بر ایالات، آگاهی از میزان محصولات و درآمدها برای تعیین مالیات‌ها و ایجاد مؤسساتی برای تنظیم امور ایالت‌ها و رسیدگی به کارهای مختلف آن‌ها از جمله دلایل این امر بود.

راه‌سازی و ارتباطات: نخستین اقدامی که لازم بود انجام شود، ایجاد تسهیلاتی برای ارتباطات بود؛ زیرا در دوره‌ای که رفت و آمد و سفر — عمدتاً از خشکی — به استفاده از اسب و ارابه منحصر می‌شد لازم بود چاره‌ای اندیشیده شود تا اخبار و اطلاعات به سرعت از نقاط دوردست امپراتوری به‌دربار (و بالعکس) برسد؛ بنابراین، ساخت راه آغاز شد. این جاده‌ها شوش را به ساردا و بابل را به شوش وصل می‌کرد. به‌علاوه جاده‌های کوتاهی نیز در داخل ایران ساخته شد.

۱- Aramaic

از کاخ‌های شاه و درباریان بود. او فرماندهان نظامی را از میان پارسیان انتخاب می‌کرد؛ زیرا به آنان اعتماد بیشتری داشت.

هنر، صنعت، معماری: کورش پس از تأسیس سلسله‌ی هخامنشی در پاسارگاد (در فارس امروزی) برای خود کاخی ساخت و اطراف آن را با باغ‌های زیبا تزئین کرد. کمبوجیه فرصت چندانی برای ساختن کاخ نیافت اما داریوش در مدت بیش از سی سال فرمان‌روایی، کاخ‌های مجلل ساخت. پس از او، سایر شاهان هخامنشی نیز برای خود کاخ‌ها و بناهایی ساختند. داریوش در سال‌های نخست فرمان‌روایی در شوش کاخ باشکوهی ساخت اما طرح اصلی و عظیم او برای نمایش هیبت و قدرتش در تخت جمشید اجرا شد.



فرش پازیریک؛ این فرش که در یک گور در روسیه به‌دست آمده، یکی از قدیمی‌ترین فرش‌های جهان است که شامل نقوش هندسی، گل، حیوانات افسانه‌ای و انسان‌های سوار بر اسب و پیاده است. بنا به روایات مشهور، این فرش در دوره‌ی هخامنشیان در ایران بافته شده است.

پس از داریوش، ساخت بناهای جدید در تخت جمشید ادامه یافت و تا ۱۵۰ سال بعد از او نیز در این مکان بناهای دیگری تأسیس شد. درون ساختمان‌ها

بودند. برای سامان یافتن اقتصاد کشور لازم بود که هم پول واحد در کشور رواج یابد و هم مقررات مشخصی که نحوه‌ی دریافت مالیات‌ها، اجاره‌ی زمین‌ها، دست‌مزدها و... را معین کند، گذاشته شود.

با این اقدامات درآمدهای حکومت افزایش یافت و اقتصاد عمومی کشور رونق گرفت و سطح زندگی مردم اندکی بالا رفت؛ به‌طوری‌که ایران در دوره‌ی هخامنشیان ثروتمندترین حکومت آن روزگار شد.

نیروی نظامی: داریوش هم‌چنین یک سپاه ده هزار نفری به‌وجود آورد که از نظر تجهیزات جنگی و آموزش‌های نظامی از بقیه‌ی سپاهیان ورزیده‌تر بودند. این سپاه یک سپاه دائمی و وظیفه‌ی آنان، بیش‌تر، محافظت

رئیس تشریفات بر کارهای مربوط به تخت جمشید و امور اداری و مالی مربوط به ایالت‌های هخامنشی نظارت داشت.

فکر کنید و پاسخ دهید:

موزه‌خان و باستان‌شناسان چه استفاده‌هایی از کتیبه‌های هخامنشیان می‌کنند؟

ظروف و لوح‌های آنان بر جای مانده است. انواع آثار فلزی از طلا، نقره و مفرغ مانند سکه‌ها، سلاح‌ها، جام‌ها، ریتون‌ها، ظروف، وزنه‌ها، لوحه‌ها که از دوران هخامنشی به جای مانده است، بیننده را شگفت‌زده می‌کند؛ زیرا ساخت آن‌ها برای هنرمندان امروزی نیز کار راحتی نیست. دقت در این آثار نشان می‌دهد که هنرمندان آن عصر، علاوه بر مهارت در کار از ابزار و دانش موردنیاز برای ساخت چنین آثاری برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین، صنعت ایران در عصر هخامنشی نیز پیشرفت زیادی کرده بود.

از دوران هخامنشی کتیبه‌هایی در بیستون، تخت جمشید، نقش رستم، شوش و نیز بر روی برخی

بخشی از کتیبه‌ی داریوش اول هخامنشی در تخت جمشید به همراه ترجمه‌ی آن در زیر آمده است.

𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹
𐎱𐎠𐎼𐎿	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹	𐎠𐎡𐎹

اهوره مزدا با خدایان خاندان سلطنتی مرا یاری کناد! این کشور را اهوره مزدا از دشمن، از خشک‌سالی [و] از دروغ، محفوظ دارد! به این کشور نباید نه دشمن، نه خشک‌سالی [و] نه دروغ. این را [چون] برکتی از اهوره مزدا با خدایان خاندان سلطنتی درخواست می‌کنم. این را به من [چون] برکتی اهوره مزدا با خدایان سلطنتی بدهاد!

یک توضیح

ریتون^۱

ریتون واژه‌ای است یونانی و در لغت‌نامه‌ی دهخدا واژه‌ی «تکوک^۲» به عنوان معادل آن به کار رفته است. تکوک یا ریتون، ساغر یا جامی بوده که ایرانیان در زمان باستان آن را از جنس فلزاتی هم‌چون طلا، نقره، آهن و یا سفال و به شکل سر حیواناتی نظیر شیر، گاو، قوچ، بز، اسب و آهو می‌ساختند و از آن برای نوشیدن استفاده می‌کردند. ایرانیان اعتقاد داشتند نوشیدن در ظرفی به شکل سر حیوان، توان آن حیوان را به انسان می‌بخشد.

۱ - Rhiton, Riton

۲ - Takuk

نیز آثاری مانند فرش مشهور پازیریک نشانگر وجود بافندگان هنرمند و خوش ذوق این عصر است. در عصر هخامنشی، پارچه‌های چیندار رواج بسیار داشت و مردان و زنان درباری با لباس‌های رنگارنگ با زیورآلات طلایی به خودآرایی می‌پرداختند.

ظروف سفالی در میان اشراف و نیز در میان مردم عادی کاربرد فراوان داشت. در دوران هخامنشی ظروف سفالی مانند کاسه، خمره‌های بزرگ برای ذخیره‌ی گندم و جو، قمقمه و ریتون رواج بسیار داشت. نقش برجسته‌های باقی مانده از دوران هخامنشی و



نمونه‌هایی از ظروف نقره‌ای مربوط به دوره‌ی هخامنشی. در عکس سمت راست، ظرف کوزه‌ای شکل با طلاکاری و دسته‌های ظریف به شکل بز کوهی و در عکس سمت چپ، بشقابی با نقش‌هایی از بز کوهی دیده می‌شود. به نظر شما، توجه هنرمندان ایران به این حیوان (بز کوهی) برای چیست؟

پرسش‌های نمونه

- ۱- کدام دولت‌ها توسط کورس منقرض شدند؟ چگونه آن را توضیح دهید.
- ۲- علل آغاز جنگ‌های ایران و یونان در دوره‌ی هخامنشی چه بود؟
- ۳- چهار مورد از اقدامات مهمی را که در زمان فرمان‌روایی داریوش انجام شد، ذکر کنید.
- ۴- چرا حکومت هخامنشی نتوانست در برابر حملات اسکندر مقدونی ایستادگی کند؟
- ۵- چرا در دوره‌ی هخامنشیان به توسعه و تعمیر راه‌ها توجه ویژه‌ای می‌شد؟
- ۶- از مجموع رویدادها و تحولات تاریخ ایران در دوره‌ی هخامنشی چه نتایج و درس‌هایی می‌توان گرفت؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی جایگاه امپراتوری هخامنشی در جهان باستان و یا نظرات مورخان و اندیشمندان غیرایرانی در مورد این امپراتوری مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد محتوای یکی از کتیبه‌های دوره‌ی هخامنشی تحقیق کنید و نظر خودتان را درباره‌ی آن بیان کنید.
- ۳- فهرست ایالت‌های ایران در زمان هخامنشی را تهیه کنید و هر یک از آن‌ها را با نقشه‌ی کنونی ایران و سرزمین‌های همسایه تطبیق دهید.